

An Evaluation of Entrepreneurship
Components in the Experienced Curriculum
from Perspective of Undergraduate: Case
Study at the Kabul University

Mustafa Rezaei, Rahmatollah Marzoghi

¹ Faculty Member of Kabul University, and M.A.in Educational Administration of Shiraz University, Shiraz, Iran.

² Professor of Department of Educational Planning and Administration, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Abstract

The goal of study was the evaluation of the entrepreneurship components in the experienced curriculum from perspectives of fourth year undergraduate students at Kabul university in the academic year of 2013-14. The statistical populations were the undergraduate students from the Kabul University (4590). The method of sampling was classified random sampling. 346 students were selected as a sample size on the basis Cochran formula and data were collected through researcher made questionnaire. The first step was to develop a conceptual framework for evaluating entrepreneurship components and in the second step the research tools were made based on that. The reliability of the instrument using Cronbach's alpha test was 88/0 and validity was confirmed by experts. In statistical part, mean, standard deviation, t-tests, repeated measures and Confirmatory factor analysis were used. Due to SPSS and LISREL software, data were analyzed. Research findings indicated that framework of the entrepreneurship is valid. The dominant aspect of perception entrepreneurship in the curriculum from the perspective of students was the component of "situation recognition". The overall condition of perception of entrepreneurship was at an average level. Also the finding showed that there is no difference between perception of entrepreneurship in the experienced curriculum by male and female students, but there is a difference between the perceptions of entrepreneurship of students in various faculties. The most prevalent components in the experienced curriculum was the components of creativity and innovation, and the least was relevant the concept of internal control.

Keywords: Experienced Curriculum, Entrepreneurship Component and Entrepreneurship.

ارزیابی مؤلفه‌های کارآفرینی در برنامه درسی
تجربه‌شده دانشجویان دانشگاه کابل

مصطفی رضایی، رحمت‌اله مرزوقی*

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه کابل و کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

^۲ استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

هدف کلی پژوهش ارزیابی مؤلفه‌های کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان کارشناسی دانشگاه کابل در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ بود. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان سال آخر دوره کارشناسی دانشگاه کابل بود (۴۵۹۰ نفر). بر اساس فرمول کوکران ۳۴۶ نفر به عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی بهینه شده انتخاب شدند. برای ارزیابی کارآفرینی در گام اول چارچوب کارآفرینی تدوین شد، در گام دوم بر اساس آن ابزار ارزیابی مؤلفه‌های کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده تحقیق ساخته شد. پایایی ابزار پژوهش با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بود. روایی ابزار مورد تأیید متخصصان قرار گرفت. در بخش آماری از میانگین، انحراف استاندارد و آزمون T تست‌ها، تحلیل واریانس اندازه‌گیری‌های مکرر و روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. که به وسیله نرم‌افزار spss و lisrel پس از تحلیل داده‌ها یافته‌های نشان داد که چارچوب کارآفرینی دارای اعتبار است. بعد غالب کارآفرینی در برنامه‌درسی تجربه‌شده، مقوله موقعیت‌شناسی است. در کل وضعیت کارآفرینی از حد متوسط پایین‌تر بود. بین دانشجویان دختر و پسر تفاوتی وجود ندارد، اما بین کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های مختلف تفاوت معنادار مشاهده می‌گردد. بیشترین مؤلفه‌ای که در برنامه درسی تجربه‌شده شیوع شده، مؤلفه خلاقیت و نوآوری و کمترین آن مقوله کنترل درونی بود.

مقدمه و بیان مسئله

کارآفرینی به‌عنوان یک فرآیند مستمر اجتماعی نیز تلقی می‌شود (Moghimi & Pazoki, 2008) و فرآیندی تعاملی، آموزشی، تلفیقی، ابتکاری، در حال ظهور و منطقی یا شبکه‌ای از روابط، تعاملات و تأثیرات چندوجهی میان افراد، فرصت‌ها و کسب‌وکارها است. اندیشه و عمل کارآفرین به‌ناچار تحت تأثیر محیط قرار دارد اما خود نیز بر محیط تأثیر می‌گذارد، دانشگاه‌ها با در اختیار داشتن نیروی انسانی خلاق، محقق و با در اختیار داشتن زمینه‌های مناسب برای آموزش کارآفرینی، می‌توانند محیطی مساعد را برای فعالیت‌ها و آموزش کارآفرینی ایجاد نمایند. آموزش کارآفرینی می‌تواند یکی از اثرگذارترین شیوه‌ها برای انتقال آسان جمعیت فارغ‌التحصیلان به بازار کار باشد، آموزش کارآفرینی در دانشجویان باعث می‌شود که آن‌ها مسئولیت‌پذیرتر و به‌عنوان متفکران حوزه کارآفرینی تربیت شوند (Erbano et al, 2008) و در نتیجه به‌طور موفق‌تر در چالش‌های کاری و جامعه وارد شوند. امروزه کارآفرینی به‌عنوان یکی از کارآمدترین عامل‌های مزیت‌آفرین نام برده شده و به‌عنوان یک راهبرد حیاتی مورد توجه دولت‌ها و سازمان‌ها قرار می‌گیرد (Shafezadeh et al, 2011) تا جایی که همگان دریافته‌اند که کارآفرینی در یک جامعه می‌تواند نقش مهمی در توسعه، پیشرفت و یا رکود و شکست جوامع و سازمان‌های امروزی داشته باشد.

آموزش و توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها تحت تأثیر عوامل چندی قرار می‌گیرد که از مهم‌ترین آن‌ها برنامه درسی دانشگاهی است. بخش آموزش ایندیانا (Indiana educational centre, 2010) برنامه درسی را تعامل طراحی‌شده دانش‌آموزان با محتوای آموزشی، مواد، منابع و فرایند ارزشیابی برای حصول اهداف آموزشی تعریف می‌کند همچنین برنامه درسی فرصت‌های یادگیری و مجموعه‌ای از رفتارهای قابل آموزش است در نوع شناسی برنامه درسی نشان می‌دهد که برنامه

درسی به‌طور کلی به چهار سطح قابل تقسیم ۱- برنامه درسی طراحی‌شده، ۲- برنامه درسی مورد انتظار، ۳- برنامه درسی اجراشده ۴- برنامه درسی تجربه‌شده است (Brown, 2006). به اعتقاد وین و بروس (Wine & Bruce, 2003) برنامه درسی تجربه‌شده توسط فراگیران، بالاترین سطح برنامه درسی است؛ یعنی نمی‌توانیم فرض نمود که تنها به این دلیل که دانشکده‌ها دارای برنامه درسی تدوین‌شده هستند، یادگیری رشد یافته نیز به‌سادگی رخ می‌دهد، بلکه باید ملزوماتی را در اختیار آن‌ها قرار داد تا برخی از فرصت‌های رشد را که در دانشکده وجود دارد کشف کنند و این موضوع نیازمند توجه و دقت در تجارب، نگرش‌ها، مهارت‌ها و احساسات مثبت و منفی دانشجویان نسبت به عملکرد خود و محیط دانشکده است که در برنامه درسی تجربه‌شده منعکس می‌شود (Mohammadi, 2008).

اساس برنامه درسی، فرد و تجربه وی است، آنچه را تجربه می‌کند در عمل پیاده می‌کند، لذا برنامه درسی باید نیازهای جامعه و بازار کار را در خود جای دهد تا بر پایه نیازمندی‌های بازار کار آموزش صورت گیرد و بعد از فارغ‌التحصیلی افراد بتواند در جامعه اثربخش باشند. در واقع با ادغام کارآفرینی در برنامه درسی دانشگاه‌ها زمینه توسعه مؤلفه‌های کارآفرینی را در افراد می‌توان فراهم کرد و از آنجایی که برنامه درسی قلب سازمان‌های آموزشی به حساب می‌آید می‌توان گفت که برنامه درسی در توسعه کارآفرینی تأثیر زیادی خواهد داشت. باین‌وجود میزان اهمیت برنامه درسی در آموزش عالی به‌ویژه برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان و میزان توجه به آن‌ها به‌طور چشم‌گیری مورد توجه قرار نمی‌گیرد یا تلاشی برای بهسازی، اصلاح، بهبود و ارزیابی آن‌ها صورت نمی‌گیرد (Moltaji, 2012).

آموزش کارآفرینی می‌تواند یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای تسهیل انتقال جمعیت فارغ‌التحصیلان به بازار کار باشد. دانشگاه به دلیل داشتن ویژگی‌های پایه مانند

درسی را چیزی جز تجربه‌های دانش‌آموزان نمی‌داند که تنها پس از مواجهه با موقعیت و فرصت‌های یادگیری از قبل پیش‌بینی شده، یا برآمده از تصمیم مشترک معلم و دانش‌آموز قابل ترسیم است. لذا برنامه درسی به‌عنوان یک قلمرو معرفتی دارای پیچیدگی‌ها ظرفیت‌های متعدد و ابعاد ناشناخته و یا حداقل کمتر ناشناخته شده است که نمی‌تواند تنها در قالب برنامه‌ریزی درسی مد نظر قرار گیرد. به اعتقاد وین و بروس (۲۰۰۳) برنامه درسی تجربه‌شده توسط فراگیران، بالاترین سطح برنامه درسی است. برنامه درسی تجربه‌شده تمام تجربیات فراگیران که منجر به بهسازی مهارت و راهبرد تفکر خلاقانه و منتقدانه، حل مسائل، همکاری با دیگران، تعامل خوب، مؤثرتر نوشتن، یادگیری تحلیلی و رشد توانایی پژوهش برای حل مسائل را در برمی‌گیرد (Brown, 2006). در تحقیق دیگر Mohammadi (2007) نتیجه گرفت که برنامه درسی تجربه‌شده، واسطه معناداری بر رضایت دانشجویان بودند و دوره‌های مهندسی نیاز به سازمان‌دهی دارند تا به رضایت و موفقیت دانشجویان منجر گردد. Luen (2006) بیان می‌دارد که بین آنچه قصد شده، اجرا شده و تجربه‌شده بود هماهنگی وجود ندارد. Prior (2006) نتیجه می‌گیرد بین برنامه درسی تدوین شده و آرمان‌های برنامه درسی مدرسه با برنامه درسی تجربه‌شده ناهمخوانی وجود دارد و برنامه درسی تجربه‌شده نمی‌تواند مهارت‌های شهروندی آن‌ها را به میزان رضایت‌بخشی رشد دهد. در مطالعه‌ای که توسط Chambers (2005) به‌منظور بازنگری در برنامه‌ها و برنامه درسی و برگزاری دوره‌های آموزشی و تبدیل دانشگاه‌های سنتی به دانشگاه‌های کارآفرین، برای رشته‌های مختلف در نظام آموزش عالی کارآفرینی را یک امر ضروری بیان کرده. همچنین نظام آموزشی کارآفرین به یقین با دیواره‌های بلند و درهایی بسته پدید نمی‌آید. ایجاد و تقویت کارآفرینی مستلزم تمایل مستمر و گسترده با محیط اجتماعی، اقتصادی و تولیدی است (Ollsdiysn & at all, 2010). تحقیقی در

سرمایه انسانی در قالب دانشجوی و اعضای هیئت‌علمی محل مناسبی برای نوآوری مبتنی بر دانش است از این‌رو دانشگاه به‌عنوان مهم‌ترین مرجع تولید و اشاعه دانش جدید می‌تواند کارآفرینی کند (Peykarifar & Mahnegar, 2012). تحقیقات انجام‌شده پیرامون کارآفرینی نشان می‌دهند که آموزش‌های کارآفرینی می‌تواند بر انگیزش، نگرش، مؤلفه‌ها و رفتار کارآفرینانه تأثیرگذار باشد (Fairlie & Holleran, 2011)، در پژوهشی مهم‌ترین انگیزه‌ها برای کارآفرینی در میان دانشجویان دختر را فراهم‌سازی شرایطی رفاهی-اجتماعی برای زندگی بهتر و پس‌از آن مفید بودن برای جامعه، دستیابی به استقلال، شناخت و بروز استعدادها و توانایی‌های شخصی بیان کرده است (Damuri & et al, 2010). در پژوهشی دیگر (Fuchs & et a, 2008)، به‌منظور بررسی اینکه تا چه اندازه آموزش کارآفرینی اجباری در آلمان و سوئد، شیوه فکر کارآفرینانه را بین دانش‌آموزان بهبود می‌بخشد، پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مدارس آلمان در ارائه خوداشتغالی به‌عنوان یک گزینه شغلی چندان موفق نبوده‌اند، ولی دانش‌آموزان سوئدی به‌طور کلی تمایل بیشتری نسبت به خوداشتغالی نشان داده‌اند. به‌علاوه، نتایج تحقیق گویای آن است که مدارس آلمانی نه‌تنها تمایل دانش‌آموزان نسبت به خوداشتغالی را زمانی که بزرگ‌تر می‌شوند، تقویت نمی‌کنند، بلکه آن را کاهش نیز می‌دهند. رشد روزافزون فناوری و تغییرات سریع جامعه، تقاضاهای مختلفی از برنامه درسی به همراه داشته است (Mahmoei et al, 2011). به‌گونه‌ای که صاحب‌نظران و اندیشمندان در تأیید این گفته بیان می‌دارند که برنامه درسی مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده نظام تعلیم و تربیت است (Fathivajargah, 2011). برنامه درسی را تعامل طراحی‌شده دانش‌آموزان با محتوای آموزشی، مواد، منابع و فرایند ارزشیابی برای حصول اهداف آموزشی تعریف کرده‌اند (Indiana educational centre, 2010). مهر محمدی و همکاران (۱۳۹۱) برنامه

استفاده روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی بهینه شده ۳۴۶ نفر از دانشجویان به‌عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. داده‌های میدانی ارزیابی مؤلفه‌های کارآفرینی در برنامه‌درسی تجربه‌شده با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ارزیابی مؤلفه‌های کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده که بر اساس مبانی نظری و الگوهای کارآفرینی لامپگین و دس (۱۹۹۶)، دی کومیگ و اسمیت (۲۰۰۲) و آنتونیک و هیسریج (۲۰۰۳) تهیه شده بود، گردآوری شد. پرسشنامه ارزیابی مؤلفه‌های کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده دارای چهار بعد موقعیت‌شناسی، مدیریت‌گرایی، مشارکت‌پذیری و روان‌شناختی است که پاسخ افراد را از طریق یک طیف پنج‌گزینه‌ای دریافت می‌نماید. برای روایی صوری پرسشنامه محقق ساخته ارزیابی مؤلفه‌های کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده از نظرهای صاحب‌نظران استفاده و روایی آن تأیید شد.

برای همسانی درونی آن از روش تحلیل گویه و آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج تحلیل گویه روایی ابزار را مورد تأیید قرار داد که هر یک از مؤلفه‌ها، ابعاد و نمره کل این پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل گویه (محاسبه همبستگی بین گویه‌ها با نمره کل زیر مقیاس مربوط) و روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که طبق جدول (۱ و ۲) پرسشنامه از روایی و پایایی بالایی برخوردار بود.

همچنین برای سنجش روایی ابزار از تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار لیزرل محاسبه شد که تحلیل‌های نشان داد که مؤلفه‌های ریسک‌پذیری، حل مسئله دوراندیشی، توان رهبری و توفیق‌طلبی در بعد مشارکت‌پذیری و مؤلفه‌های کنترل‌درونی، انعطاف‌پذیری، استقلال‌طلبی و خوداتکایی در بعد روان‌شناختی و مؤلفه‌های تحمل ابهام، پشتکار، فرصت‌طلبی و خلاقیت در بعد موقعیت‌شناسی و مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری، رشد‌گرایی، کارگروهي و نظارت در بعد مدیریت‌گرایی و ابعاد با نمره کل کارآفرینی از بار عاملی مناسبی برخوردار بودند.

مالزی به‌منظور اثربخشی برنامه درسی در دانشگاه‌ها انجام شده نتایج آن نشان می‌دهد. دانشجویان رشته‌های غیر تجارت علاقه‌ای به مطالعه و خواندن دروس مربوط به کارآفرینی را ندارند که این می‌تواند دو دلیل داشته باشد: اول ماهیت برنامه درسی است که از منظر دانشجویان کهنه و منسوخ شده به حساب می‌آید و دوم تفکر آن‌ها در زمینه دروس کارآفرینی است، آن‌ها کارآفرینی را فقط یک درس اختیاری می‌دانند و فقط برای گرفتن نمره بالا انتخاب می‌کنند (Zamberiahmad & at all, 2014).

در مجموع می‌توان اذعان نمود که ادغام کارآفرینی در برنامه درسی دانشگاه‌ها و مدارس عالی موجب غنی‌سازی تجارب یادگیری فراگیرندگان، افزایش ایجاد کسب‌وکار جدید توسط آن‌ها، ارتقای مهارت‌های شغلی مدیریت کسب‌وکار، افزایش ارتباط میان دانشگاه و صنعت و ایجاد فرصتی برای آزمون محتوا برنامه درسی دانشگاه‌ها می‌شود (Faoite et all, 2003). انجمن کارفرمایان در بریتانیا با بیان ویژگی‌های اساسی و شایستگی ضروری برای دانش‌آموختگان دانشگاهی در قرن ۲۱ جهت‌گیری‌های برنامه درسی آموزش عالی را در چند مقوله عمده شامل پرورش روحیه اتکا به خود، پرورش توانایی نقد و تحلیل، پرورش توانایی ایجاد تحول و پرورش توانایی برای نوآوری و خلاقیت بیان کرده است. انجمن کارفرمایان در استرالیا نیز مواردی همچون پرورش افراد هماهنگ با توسعه فناوری اطلاعات ارتباطات، پرورش توانایی حل مسئله، پرورش توانایی کار گروهی و پرورش روحیه سازگاری با تغییرات را مورد تأکید قرار داده‌اند (Momeni, 2008).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش ۴۵۹۰ نفر بوده که کلیه دانشجویان کارشناسی سال چهارم دانشکده‌های مختلف دانشگاه کابل بود که با

جدول ۱. روایی و پایایی مؤلفه‌های پرسشنامه ارزیابی کارآفرینی در برنامه‌درسی تجربه‌شده مؤلفه‌ها

طیف ضرایب همبستگی	سطح معناداری	آلفای کرونباخ
ریسک‌پذیری	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹
مشکل‌گشایی	۰/۰۰۰۱	۰/۷۰
دوراندیشی	۰/۰۰۰۱	۰/۷۹
توان رهبری	۰/۰۰۰۱	۰/۵۳
توفیق‌طلبی	۰/۰۰۰۱	۰/۷۶
کنترل درونی	۰/۰۰۰۱	۰/۴۴
انعطاف‌پذیری	۰/۰۰۰۱	۰/۷۱
استقلال‌طلبی	۰/۰۰۱ - ۰/۰۰۰۱	۰/۷۹
خوداتکایی	۰/۰۰۰۱	۰/۶۳
تحمل‌پذیری	۰/۰۰۰۱	۰/۸۳
پشتکار	۰/۰۰۰۱	۰/۷۰
فرصت‌طلبی	۰/۰۰۰۱	۰/۶۱
خلاقیت	۰/۰۰۰۱	۰/۸۵
مسئولیت‌پذیری	۰/۰۰۱ - ۰/۰۰۰۱	۰/۷۱
رشدگرایی	۰/۰۰۰۱	۰/۷۸
مدیریت مشارکتی	۰/۰۰۰۱	۰/۷۳
نظارت	۰/۰۰۰۱	۰/۸۳

جدول ۲. روایی و پایایی ابعاد و کل پرسشنامه ارزیابی کارآفرینی در برنامه‌درسی تجربه‌شده

مشارکت‌پذیری	روان‌شناختی	موقعیت‌شناسی	مدیریت‌گرایی	کارآفرینی
۰/۶۴ - ۰/۷۹	۰/۶۱ - ۰/۸۴	۰/۶۸ - ۰/۸۲	۰/۷۲ - ۰/۸۵	۰/۸۲ - ۰/۸۶
۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۱ - ۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
۰/۷۷	۰/۷۴	۰/۷۱	۰/۸۱	۰/۸۸

درواقع تحلیل‌ها نشان داد که عامل‌های زیر بنایی و متغیرهای مشاهده‌شده که همان نمره کل با ابعاد و مؤلفه‌ها این ابزار است، عاملی زیرین خود را به‌خوبی تبیین می‌کنند. سپس پرسشنامه با طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای بسیار زیاد، زیاد، تا حدودی، کم و بسیار کم بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف توزیع و پس از تکمیل، جمع‌آوری، با استفاده از روش‌های آماری تی تست‌ها و تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی بونفرونی و توکی تجزیه و تحلیل شد.

بارهای عاملی مؤلفه‌های بین ۰/۵۶ الی ۰/۸۲ بوده و بارهای عاملی ابعاد بین ۰/۸۲ الی ۰/۸۶ به دست آمد است، به‌غیراز مؤلفه کنترل درونی که در بعد روان‌شناختی قرار دارد از بار عاملی نسبتاً (۰/۴۴) پایینی برخوردار بود، حذف نگردید همچنین kmo به دست آمده ۴/۳۹ است این رقم باید بین ۱ تا ۵ به دست آید که نشان‌دهنده برآزش مطلوب مدل باشد (میولر، رالف، ش، ۱۳۹۰) که داده‌ها نشان می‌دهند که چارچوب مذکور از برآزش مطلوبی برخوردار است.

یافته‌های پژوهش

کدام مؤلفه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان بیشتر در برنامه درسی تجربه‌شده مورد توجه قرار گرفته است؟ بر اساس جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود، بالاترین میانگین مؤلفه‌های کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان مربوط به مؤلفه خلاقیت و کمترین آن مربوط به مؤلفه کنترل درونی است که بر اساس F محاسبه شده با درجه آزادی ۱۶ تفاوت معنادار است. آزمون تعقیبی بونفرونی نشان داد که بین اکثریت مؤلفه‌های کارآفرینی تفاوت معناداری وجود دارد. یافته‌ها نشان داد تفاوت معناداری بین میانگین

مؤلفه‌های ریسک‌پذیری، توفیق‌طلبی و انعطاف‌پذیری، بین میانگین مؤلفه‌های حل مسئله با انعطاف‌پذیری، بین میانگین مؤلفه‌های دوراندیشی با توان رهبری، توفیق‌طلبی، رشدگرایی و کارگروھی، بین میانگین مؤلفه‌های توان رهبری با فرصت‌طلبی و کارگروھی، بین میانگین مؤلفه‌های توفیق‌طلبی با خوداتکایی و رشدگرایی، بین میانگین مؤلفه‌های استقلال‌طلبی و مسئولیت‌پذیری، بین میانگین مؤلفه‌های خوداتکایی و رشدگرایی، بین میانگین مؤلفه‌های فرصت‌طلبی و کارگروھی وجود ندارد.

جدول ۳. مقایسه میانگین رتبه مؤلفه‌های کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده

مؤلفه‌های کارآفرینی	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار f	درجه آزادی	سطح معناداری
ریسک‌پذیری	۷/۲۷	۲/۴	۷۵۹/۳۷	۱۶ و ۳۴۵	۰/۰۰۰۱
حل مسئله	۶/۸۹	۲/۷			
دوراندیشی	۱۰/۰۱	۳			
توان رهبری	۱۰/۰۱	۳/۱			
توفیق‌طلبی	۹/۴۱	۲/۹			
کنترل درونی	۴/۹۷	۱/۵			
انعطاف‌پذیری	۷/۲	۱/۲			
استقلال‌طلبی	۱۴/۰۵	۳/۷			
خوداتکایی	۸/۹۷	۳/۱			
تحمل ابهام	۱۶/۸۷	۴/۵			
پشتکار	۷/۸۹	۲/۴			
فرصت‌طلبی	۱۰/۸۳	۲/۹			
خلاقیت	۱۸/۶۲	۴/۵			
مسئولیت‌پذیری	۱۴/۲۴	۳/۸			
رشدگرایی	۹/۴۵	۳			
کارگروھی	۱۰/۲۸	۳			
نظارت	۱۵/۵۴	۱/۴			

میانگین کارآفرینی و معیار، پایین‌تر از حد متوسط، در سطح $0/0001$ وجود دارد. لذا بر اساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که از دیدگاه دانشجویان، کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده از حد متوسط پایین‌تر است.

آیا تفاوت معناداری بین ادراک دانشجویان دانشکده‌های مختلف از میزان کارآفرین بودن برنامه درسی تجربه‌شده وجود دارد؟ مطابق با جدول شماره ۶ نتیجه آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داد که بیشترین میانگین کارآفرین بودن برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان مربوط به دانشکده جامعه‌شناسی و کمترین آن مربوط به دانشجویان دانشکده حقوق و معارف سلامی است که بر اساس مقدار F محاسبه شده با درجه آزادی ۱۳ این تفاوت معنادار است. آزمون تعقیبی توکی نشان داد که تفاوت معناداری بین میانگین کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان دانشکده‌های حقوق با جامعه‌شناسی، خبرنگاری، کشاورزی، مهندسی و زمین‌شناسی؛ دانشکده جامعه‌شناسی با علوم اسلامی و داروسازی؛ دانشکده خبرنگاری و علوم اسلامی؛ دانشکده علوم اسلامی و زمین‌شناسی وجود دارد.

بعد غالب کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان کدام است؟ به‌منظور تعیین بعد غالب کارآفرینی در دیدگاه دانشجویان از آزمون تحلیل واریانس اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شد. همان‌گونه که در جدول (۴) ملاحظه می‌گردد، نتایج حاکی از آن است که بیشترین میانگین مربوط به بعد موقعیت‌شناسی (با میانگین: $54/24$) به‌دست‌آمده است و ابعاد مدیریت‌گرایی، مشارکت‌پذیری و روان‌شناختی هرکدام به ترتیب اولویت‌بندی شدند که بر اساس F به‌دست‌آمده با درجه آزادی (۱ و 345)، تفاوت معناداری بین میانگین موقعیت‌شناسی، مشارکت‌پذیری، روان‌شناختی و مدیریت‌گرایی در سطح $0/0001$ وجود دارد. بدین ترتیب می‌توان بیان کرد که از دید دانشجویان دانشگاه کابل بعد غالب کارآفرینی بعد موقعیت‌شناسی است.

میزان کارآفرین بودن برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان دانشگاه کابل به چه حدی است؟ نتیجه آزمون تک نمونه‌ای در جدول شماره (۵) حاکی از آن است که کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان دانشگاه کابل با میانگین ($2/46$) پایین‌تر از معیار حد متوسط ($Q_3 = 3/75$) است. با توجه به مقدار t به‌دست‌آمده با درجه آزادی ۳۴۵ تفاوت معناداری بین

جدول ۴. تعیین نوع غالب کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده

ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار F	درجه آزادی	سطح معناداری
مشارکت‌پذیری	۴۳/۸۱	۱۰/۴۷	۶۳۵/۶۱	۱	۰/۰۰۰۱
روان‌شناختی	۳۵/۳۲	۸/۱۴			
موقعیت‌شناسی	۵۴/۲۴	۱۱			
مدیریت‌گرایی	۴۹/۵۳	۱۱/۰۱			

جدول ۵. آزمون تک نمونه‌ای به‌منظور مطلوبیت کارآفرینی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	Q_3	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
کارآفرینی	۲/۴۳	۰/۴۶	۳/۷۵	۲۲/۲۲	۳۴۵	۰/۰۰۰۱

جدول ۶. مقایسه کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان دانشکده‌های مختلف

دانشکده‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار f	درجه آزادی	سطح معناداری
روانشناسی و علوم تربیتی	۱/۸۲	۳۰/۰۱			
حقوق	۱/۵۵	۳۱/۰۱			
جامعه‌شناسی	۲/۰۵	۴۲/۸۰			
خبرنگاری	۲	۳۸/۳۹			
علوم پایه	۱/۷۵	۲۷/۹۴			
کشاورزی	۱/۸۸	۳۴/۱۳			
مهندسی	۲/۰۳	۲۱/۵۹		۱۳	
معارف اسلامی	۱/۶۱	۲۸/۸۴	۵/۵۲	و	۰/۰۰۰۱
زمین‌شناسی	۱/۹۸	۲۷/۳۸		۳۳۲	
دامپزشکی	۱/۷۷	۲۷/۱۴			
هنرهای زیبا	۱/۸۰	۲۶/۳۳			
ادبیات	۱/۸۶	۵۲/۱۳			
اقتصاد	۱/۷۸	۵۲/۱۳			
داروسازی	۱/۶۷	۲۱/۵			
جمع کل	۱/۸۲	۳۵/۲۲			

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده یکی از خصایص اصلی فراگیران که در برنامه درسی تجربه‌شده باید مورد توجه قرار گیرد، توجه به مؤلفه‌ی کانون کنترل درونی افراد است که با آموزش‌هایی در این زمینه و تشویق افراد برای تغییر نگرش خود از منبع کنترل درونی به بیرونی، می‌توان روحیه کارآفرینی و آینده‌نگری را در آنان تقویت نمود. نتایج پژوهش (Gelard, 2009) مبنی بر عوامل مؤثر بر توسعه زنان ایرانی بیان می‌دارد که مهم‌ترین انگیزه برای زنان ایرانی در کسب‌وکار، رضایت شغلی و کسب اعتبار و قدرت در جامعه است که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها خلاقیت و توفیق طلبی است که با یافته‌ی این تحقیق همسو است. یافته‌های (Dehghan et al, 2011) مبنی بر اولویت خلاقیت و نوآوری در مؤلفه‌های کارآفرینی با یافته‌های این پژوهش همسو است. در بررسی تعیین بعد غالب کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل واریانس اندازه‌گیری‌های مکرر نشان داد که بعد موقعیت‌شناسی، مدیریت‌گرایی، مشارکت‌پذیری و روان‌شناختی هرکدام به ترتیب از نظر دانشجویان در اولویت قرار گرفته‌اند. بعد موقعیت‌شناسی در دانشگاه قلمرو پژوهش از نظر دانشجویان بعد غالب شناخته شده است. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج (Fairlie & Gurol & Damuri & at all, 2010 Holleran, 2011 Jones & English, Astan, 2006, Brindley, 2005, 2004) همسو است. از آنجایی که این بعد ریشه در دیدگاه اجتماعی کارآفرینی دارد، از علل احتمالی چنین نتیجه‌ای می‌توان به شرایط اجتماعی دانشجویان در جامعه و دانشگاه اشاره کرد. همچنین فشارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در کنار ضعف امنیت فیزیکی و روانی در جامعه و همچنین فقدان کار و فرصت‌های شغلی باعث شده تا جوانان اندک‌ترین فرصتی در هر زمینه‌ای را غنیمت بشمارند. در بررسی وضعیت کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان در دانشگاه قلمرو پژوهش، این نتیجه

به‌دست‌آمد که میانگین کارآفرین بودن برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان در دانشگاه قلمرو پژوهش از سطح متوسط (Q_3) کمتر است. این یافته‌ها بیانگر آن است که میزان کارآفرین بودن برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان دانشگاه کابل پایین‌تر از حد متوسط است. بدیهی است که دانشگاه‌ها از جمله مهم‌ترین سازمانی‌هایی هستند که تربیت نیروی کاری در جامعه را بر عهده دارند و به‌منظور دستیابی به مطلوبیت‌های نهایی لازم برای افزایش رضایت ذینفعان و دانشجویان در ایجاد شغل و مستقل کار کردن در جامعه باید بتوانند زمینه‌های لازم را برای بالا بردن کیفیت آموزشی در زمینه آموزش کارآفرینی و در برنامه‌های خود تقویت نمایند. همان‌گونه که مطرح گردید می‌توان گفت که یکی از علل احتمالی چنین نتیجه‌ای کیفیت امکانات آموزشی، سیاست‌های نسبتاً کهنه در برنامه‌های آموزشی، کهنه بودن روش‌های آموزشی و ارزشیابی، عدم ارتباط دانشگاه با بازار کار و صنعت و شرایط ویژه دانشگاه‌های افغانستان و به‌ویژه دانشگاه کابل بعد از سه دهه جنگ اشاره کرد. در این رابطه محققان به این باورند، بین کارآفرینی دانشجویان با عناصر و عواملی مانند برگزاری دوره‌های آموزشی کارآفرینی در دوره‌های مختلف (Chambers, 2005 و Azizi, 2004)، فرایندهای یاددهی-یادگیری (Jafarzadeh, 2008)، امکانات آموزشی و ارزشیابی آموزشی (Okudan & Rezasa, 2006; Keng neo, 2004 Oladin et al, 2010) رابطه معناداری دارد. همچنین برنامه درسی کهنه، مهارت‌های علمی و شخصی اساتید می‌تواند تأثیرگذار بر این بخش از یافته‌ها باشد. در ارتباط با این مدعا (SaifNaraqi & andAvladyan, 2011) بر این باورند که متغیرهای آموزشی و روان‌شناختی بر توسعه کارآفرینی نقش مؤثری دارد. مطالعه (Oladin et al, 2010) در زمینه مقایسه کارآفرین بودن برنامه درسی تجربه‌شده دانشجویان در دانشکده‌های مختلف، نتایج نشان داد که دانشکده‌های جامعه‌شناسی، مهندسی،

چه بهتر این موضوع در دانشکده‌های مختلف داشته باشد تا علاوه بر استفاده از شیوه‌های مفید از آموزش کارآفرینی برای ذینفعان، تصویر بیرونی دانشکده در دانشگاه و تصویر دانشگاه در سطح کشور و منطقه برای متقاضیان و مشتریان رضایت‌بخش باشد که این امر می‌تواند بر ثبات و موفقیت دانشگاه نیز تأثیر داشته باشد، در نتیجه باعث جذب هرچه بیشتر دانشجویان گردد.

منابع

- Akker, J.J.H. van den. (2003). "curriculum perspectives: an introduction". in J. van den Akker, W. Kuiper & U. Hemeyer (Eds). Curriculum Landscape and trends. Dordrecht: Kluwer Academic Publishers.
- Adejimola AS, Olufunmilayo TO (2009). Spinning off an entrepreneurship culture among Nigerian university students: prospects and challenges. *Afr. J. Bus. Manage.* 3:80-88.
- Ahmad Zadeh, N (2004). Evaluation of undergraduate science education according to students' entrepreneurship skills (case study: Shahid Beheshti University). [Persian].
- Ahmadi H, Faraj Hosseini, J and Omidi Najaf-Abadi, M. (2009). Identify some of the factors associated with the promotion of entrepreneurship among students of the Graduate School of Agriculture and Natural Resources, Science and Research Branch of Tehran. *Journal of Leadership and Educational Administration*, second edition, pp. 9 - 24. [Persian].
- Ali Miri, M. (2008). Entrepreneurship education: the creation, development, trends and challenges. *Development of entrepreneurship, the first issue*, pp. 133-169. [Persian].
- Arabion, A., Rukn al-Din honorEftekhari, A. and Mrydsadat, M. (2010). Integrating sustainable entrepreneurship in agricultural policies necessary for the realization of Vision 1404. [Persian].
- Avladyan, M, Saif Naraq, M, Naderi, E and Shariatmadari, A. (2010). "Factors affecting the development of entrepreneurship from the perspective of the graduates of Tehran University in Tehran entrepreneurs and

خبرنگاری، زمین‌شناسی، کشاورزی، ادبیات، روانشناسی، هنرهای زیبا، اقتصاد، دامپزشکی، علوم پایه، داروسازی، معارف اسلامی و حقوق هر کدام به ترتیب در اولویت قرار گرفتند. این یافته پژوهش با نتیجه تحقیق (Ahmadi et al, 2009) مبنی بر بررسی برنامه درسی کارآفرینی در دانشکده‌های فنی مالزی و (Arasti et al, 2011) در بررسی کارآفرینی در دانشکده‌های غیر مدیریتی همسو است؛ اما این نتیجه با مطالعات (Fuchs et al, 2008) و (Souitaris & et al, 2007) ناهمسو است. در یافته‌های این محققان نشان داد که آموزش کارآفرینی در دانشگاه نه تنها تمایل دانشجویان را افزایش نمی‌دهد، بلکه موجب کاهش آن نیز می‌گردد، البته این نتیجه را می‌توان بر این اساس توجیه کرد که در بعضی از کشورها آموزش کارآفرینی از سطح مدرسه شروع می‌شود و در واقع نگرش کارآفرینی در آنجا شکل می‌گیرد و در دانشگاه چندان تأثیری صورت نمی‌گیرد. از جمله علل و عواملی احتمالی چنین نتیجه‌ای می‌توان به برنامه‌های آموزش و محتوای برنامه درسی اشاره کرد. اکثریت دانشجویان برنامه‌های آموزشی ارائه شده توسط استادان و محتوای درسی را جهت ترویج کارآفرینی مناسب نمی‌دانند لذا به نظر می‌رسد که برنامه‌های آموزشی موجود در جهت ترویج کارآفرینی در دانشگاه تدوین نشده است. این نکته ضرورت بازبینی و انجام تغییر یا ایجاد اصلاحاتی در برنامه‌های درسی، سیاست‌های آموزشی و همچنین استفاده از الگوهای کارآمد در این زمینه را بیان می‌کند. به هر حال وجود چنین رویکردی در هر دانشکده می‌تواند بر ادراک کارآفرینی دانشجویان تأثیر بگذارد؛ بنابراین بر اساس این یافته پژوهش مبنی بر وجود تفاوت بین کارآفرینی در برنامه درسی تجربه‌شده در دانشکده‌های مختلف، به نظر می‌رسد که بررسی و مقایسه علل و عوامل مؤثر بر میزان کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های مختلف می‌تواند نقطه شروعی برای برنامه‌ریزی، ایجاد یا تغییراتی در سیاست‌های آموزشی در جهت ارتقای هر

- managers in order to provide a suitable model curriculum orientation in educational sciences (Management and Planning School)". Journal of new ideas in Educational Sciences, 5(2). [Persian].
- Badri, E., Lyaqtdar, MJ, Abdi, MR and parsley, E. (2005). "The capabilities of the entrepreneurial university". Journal of Higher Education programs, No. 40, pp. 90-39. [Persian].
- Bodlaei, H. Zare, R (2013). Discourses the challenges and solutions in the theories of entrepreneurship. Tehran: Termeh. [Persian].
- Brindley, C. (2005). "Barriers to women achieving their entrepreneurial potential: women and risk". journal of women entrepreneurship. 11(2), 144-161.
- Brown, T. H, Davidsson, P. & Wiklun, J. (2001). *An operationalization of Stevenson's conceptualization of entrepreneurship as opportunity-based firm behavior*. Strategic Management journal, 22, 953-968.
- Brunner, Mark David. (2001). "Use of curriculum domains and subsystems".
- Brush, C. G. (2003). "Doctoral education in the Field of entrepreneurship". Journal of management. Vol, 29, No. 3, 309-331.
- Chambers, R. (2005). "Human capital for entrepreneurship in higher Education". London: Edger.
- Damuri, D. Nejati Ajibshe, M. Monfared, sh. (2010). "Identifying and ranking motivations for entrepreneurship among female university students using a fuzzy topsis approach: case of female students of university of Yazd".
- Fairlie, R. W. & Holleran, W. (2011). "Entrepreneurship training, risk aversion and other personality traits: Evidence from a random experiment". Journal of Economic Psychology, 33, 366-378.
- Faoite, D, et al. (2003). "Education and training for entrepreneurs". education + training, Vol 45 No. 8/9, 430-438.
- Fathi Vajargah, K. Shafii, N. (2005). Quality of university curriculum, Journal of Research and Higher Education programs, No. 5, pp. 27-1. [Persian].
- Fathi Vajargah, K. (2005). The autopsy a model curriculum in Iran in the field of research in Iran. The scope of the curriculum in the current situation and future prospects (Proceedings of the Association of Curriculum Studies). Tehran, Samt.
- Fayolle, A. (2005). "Evaluation of entrepreneurship education: Scholarship-focused Outreach and Engagement". Meet Michigan Orientation (May 10-21, 2005). Michigan State University.
- Fuchs. K. Werner. A & wallau, F. (2008). "Entrepreneurship education in Germany and Sweden: What role do different school".
- Gelard, p. (2009). *Family: Iranian women's entrepreneurship development strategies*. Woman in development and politics (Women's research). 7(2(25)): pp. 131-149.
- Histrich, R, Peters, M. and Dea, S, (2005). Entrepreneurship, MC Grow Hill, New York.
- Jafarzadeh, M. (2004). "Explanation of a model for prediction of entrepreneurship". Thesis in the field of management, School of Management, Tehran University
- Jones, C. & English, J. (2004). "A Contemporary approach to Entrepreneurship Education". Journal Education Training. 46. 416-423.
- Keng neo & Lynda Wee. (2004) learning. *International Journal of Technology Management Volume 28, Numbers 7-8*.
- Kousari, M, Norouzzadeh, R. (2009). The four defining characteristics of the undergraduate curriculum with an emphasis on entrepreneurship skills. Journal of Research and Planning in Higher Education, No. 54, pp. 18-1. [Persian].
- Lounsbury, Michael. (2001). "Collective Entrepreneurship: the mobilization of college and university recycling coordinators". Journal of Organizational change Management. Vol, 11, No. 1, 5069.
- Luen, Wong. Kee. (2008). "curriculum Gaps in Business Education: a Case study of Stakeholders Perceptions". Thesis submitted for the degree of Doctor of Leicester.
- Mehr Mohammadi, M (2011). Curriculum, approaches and perspectives. Sixth edition. Tehran: Razavi. [Persian].
- Mohammadi, M. (2007). "The basic science and engineering curriculum, experiential satisfaction incoming students at Shiraz University", offer an explanatory model. Journal of Psychology Shahid Chamran University, 3(4), pp. 96-63. [Persian].
- Moltege, L. (2012). Provide structural model of

- efficiency and competence development of their leadership curriculum experience of students at Shiraz University. MS Thesis, University of Shiraz. [Persian].
- Momeni Mahmoei, H, Karami, M. and Timurid, S. (2011). "The students experienced curriculum BS degree in primary education", Journal of Educational Psychology, 2(1), pp. 80-65. [Persian].
- Momenimahmoei, H. (2008). Planning, competency-based curriculum for elementary education degree. Thesis Course curriculum planning. Tehran, Tarbiat Modarres University. [Persian].
- Okudan GE. And SE. Rzasa (2006). "*A project-based Approach to Entrepreneurship leadership Education*". Journal of Technovation, vol, 26.
- Peykarifard, F, Mahnegar, F. (2012). The Role of Universities in the development of entrepreneurship. National Conference on entrepreneurship, business management knowledge base.
- Saif Naraqı, M and Avladyan, M. (2011). Compare graduates entrepreneurial attitude based on individual attributes and occupational variables and the factors affecting the development of entrepreneurship education in the curriculum Educational Sciences. Journal of Social Development in Iran, 2.
- Shah Hosseini, A. (2009). Entrepreneurship in action. Tehran: Aeej. [Persian].
- Sharifi, M, Moghadam, M and Mazbohi, S. (2011). "Entrepreneurship education curriculum: objectives, content, teaching methods and assessment methods". [Persian].
- Smith, A. and Montgomery, A. (2008). "*Values and hidden curriculum*". [http://: Cain web service](http://Cain web service).
- Souitaris, V. Zerbinati, S. Al-laham, A. (2007). "Do entrepreneurship programmers raise entrepreneurial intention of science and engineering students? The effect of learning, inspiration and resources", Journal of Business Venturing, Vol.22, No. 4, pp. 566-591.
- Urbano, david.Aponte, marines & toledano, N (2008). "*Doctoral education in entrepreneurship: a european case study*". Journal of small business and enterprise development.vol 15, no.2.
- Waine& Bruce. (2003). "*Definition of curriculum*". Faculty senate task force on curriculum.
- Wilson, L. O. (2006). "*Curriculum course*". ED 721 & 726, unpublished.